

وسوسه ثروت لیتیوم افغانستان برای کسب حمایت ترامپ

Contributed by : Matthew Pennington / مترجم: جانعلی شکرعلیزاده



جنگ، سرمایه داران را فراری داده، فساد شایع است و بسیاری از معادنی که وجود دارد در کنترل جنگ سالارانی است که سود آن در دو می کنند و طالبان از قاچاق غیر قانونی این معادن سالانه میلیون ها دلار به جیب می زنند. در سال ۲۰۱۶ دیده بان جهانی مبارزه با فساد هشدار داد که بخش معادن به ادامه جنگ دامن می زند. اشاره آن به سنگ لاجورد است که منحصرا در افغانستان پیدا می شود، او گفت زورمندان محلی، قانون گذاران و شورشیان طالبان همه در یک رقابت خشونت بار بر سر به کنترل معادن افغانستان بیشتر از آن چیزی است که در بررسی های شوری سابق دهه ها پیش صورت گرفته بود. کوهستانی و معصور بودن این کشور باعث شده که این معادن بزرگ مانند مس، سنگ آهن، کرومیت، جیوه، روی، سنگ های قیمتی، از جمله یاقوت و زمرد و همچنین طلا و نقره مخصوص لیتیوم که مورد استفاده در کامپیوترهای لپ تاپ و باتری های تلفن موبایل می گیرد دست نخورده باقی بماند. اما استخراج این معادن و تبدیل آن به مواد مورد استفاده که بتوان برای کشور منفعت داشته باشد کار بسیار دشواری است.

به شدت مخصوص معادن غنی این کشور، می توانیم از کوه سرمایه گذاری به آن بهترین فرصت بنگریم. به خاطر اینکه از در افغانستان درگیر نمی شد. ماه گذشته یکی از فرماندهان ارشد نظامی ایالات متحده در خواست افزایش سربازان امریکایی برای کمک به آوردن امنیت در این کشور کرده است، درخواستی که کابل با شورش و شوق از آن حمایت کرده است. اما کاخ سفید هنوز اعلام نکرده است که چه خواهد کرد. آیا نقش نیروهای امریکایی را تقویت خواهد کرد یا تعداد آنها را کاهش می دهد یا بطور کلی برنامه دیگری را به اجرا خواهد گذاشت. گذر زمان این را روشن خواهد کرد. در حال حاضر حدود ۸۴۰۰ سرباز ایالات متحده که درگیر آموزش نیروهای افغان و عملیات های ضد تروریستی هستند در افغانستان حضور دارند. کابل آشکارا امیدوار است که ثروت معادن افغانستان ترامپ را وسوسه نماید تا تعهدات بیشتری به این کشور دهد. محمد همامون قیومی مشاور ارشد زیرساخت ها، سرمایه انسانی و تکنولوژی افغانستان می گوید افغانستان می تواند بهترین جای برای صنایع ایالات متحده

دولت افغانستان در تلاش جلب توجه رییس جمهور دونالد ترامپ و بدست آوردن حمایت ایالات متحده امریکا است. ابزار این جلب توجه، ثروت عظیم و دست نخورده معادن به شمول لیتیوم، فلز نقره ای که در تلفن های موبایل و باتری های کامپیوتر مورد استفاده قرار می گیرد و امروزه جزء از زندگی مدرن است می باشد. اما بهره برداری از این ثروت ها که همچنین شامل زغال سنگ، مس و عناصر خاکی کمیاب می شود احتمالا زمان زیادی می برد، تخمین زده شده است که ارزش آن از یک تریلیون تا سه تریلیون دلار است. با افزایش مناطق تحت تصرف شورشیان طالبان و تلفات نظامیان افغان در سال گذشته وضعیت امنیتی بدتر شده است. برای مثال رفتن به مناطقی که بیشترین لیتیوم در آنجا قرار دارد، بسیار خطرناک است. تاکنون سیاست ترامپ در مورد افغانستان نامشخص باقی مانده است.

او در مورد این طولانی ترین جنگ امریکا کمتر سخن گفته است، در یک کمپین انتخاباتی اش گفت کاش ایالات متحده در افغانستان درگیر نمی شد. ماه گذشته یکی از فرماندهان ارشد نظامی ایالات متحده در خواست افزایش سربازان امریکایی برای کمک به آوردن امنیت در این کشور کرده است، درخواستی که کابل با شورش و شوق از آن حمایت کرده است. اما کاخ سفید هنوز اعلام نکرده است که چه خواهد کرد. آیا نقش نیروهای امریکایی را تقویت خواهد کرد یا تعداد آنها را کاهش می دهد یا بطور کلی برنامه دیگری را به اجرا خواهد گذاشت. گذر زمان این را روشن خواهد کرد. در حال حاضر حدود ۸۴۰۰ سرباز ایالات متحده که درگیر آموزش نیروهای افغان و عملیات های ضد تروریستی هستند در افغانستان حضور دارند. کابل آشکارا امیدوار است که ثروت معادن افغانستان ترامپ را وسوسه نماید تا تعهدات بیشتری به این کشور دهد. محمد همامون قیومی مشاور ارشد زیرساخت ها، سرمایه انسانی و تکنولوژی افغانستان می گوید افغانستان می تواند بهترین جای برای صنایع ایالات متحده

افغانستان و جستجوی راه های بدیل تجارتي

مهدي مدير

افغانستان برای رسیدن به ثبات اقتصادی نیازمند است که روابط تجاری خود را با کشورهای مختلف توسعه دهد. توسعه این روابط می تواند اقتصاد افغانستان را رونق بخشد و از وابستگی تجاری کشور بکاهد.

مسئولین اتاق تجارت و صنایع و مقامات سفارت قزاقستان و تاجران قزاقستانی در نشست مشترک تجارتي، بر توسعه روابط تجارتي دو کشور تاکید کردند. خان جان الکوژی معاون اتاق تجارت و صنایع کشور گفت توسعه تجارت بین افغانستان و قزاقستان میتواند زمینه صادرات و واردات از کشورهای آسیای میانه به افغانستان را هموار سازد.

مسئولین اتاق تجارت و صنایع همچنین گفتند که سطح مبادلات تجارتي دو کشور افزایش یافته است و به ۴۳۷ میلیون دلار رسیده است. از این مقدار، ارزش واردات افغانستان از قزاقستان ۴۲۶ میلیون دلار و ارزش صادرات به قزاقستان ۱۱ میلیون دلار است.

قزاقستان با توجه به موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی اش می تواند به عنوان یک حلقه وصل افغانستان به بازارهای چین و روسیه عمل کند. از این لحاظ توسعه روابط تجارتي با قزاقستان برای آینده اقتصادی کشور و فراهم سازی زمینه ثبات بازار کشور، از اهمیت ویژه برخوردار است.

افغانستان برای وارد کردن کالاهای مورد نیاز خود همواره با چالش مواجه بوده است. وابستگی بیش از حد کشور به مرزهای پاکستان و تنش در روابط سیاسی دو کشور، بر این چالش ها افزوده است. افغانستان برای عبور از این چالش ها نیازمند است که روابط تجاری خود را توسعه دهد و کشورهای آسیای میانه می تواند برای افغانستان بدیل مناسب باشد.

افغانستان مدت ها است که در جستجوی راه های بدیل تجارتي است. در واقع با تیره شدن روابط سیاسی افغانستان و پاکستان، مقامات افغانستان در تلاش هستند تا روابط تجاری و اقتصادی خود با پاکستان را کاهش دهد.

وابستگی تجاری افغانستان به پاکستان، زمینه سوء استفاده سیاسی این کشور را فراهم کرده است. پاکستان بارها مرزهای خود با افغانستان را به پهانه های گوناگون بسته است و تلاش کرده است به اموال تجارتي تاجران افغان اجازه عبور ندهد. اخیرا پاکستان در پی حمله به یک زیارت در ایالت سند مرزهای خود با افغانستان را بست و گفت علان این حمله در افغانستان پایگاه امن دارند و مخفی شده اند. این امر بیش از آنکه راهکاری در راستای مبارزه با تروریسم تلقی گردد، سیاستی بود برای وارد کردن فشار اقتصادی به دولت و مردم افغانستان.

بسته شدن مرزهای پاکستان به روی مردم و تاجران افغانستان، بر بازارهای افغانستان تاثیر شدید گذاشت و ثبات بازار افغانستان را برهم زد. این امر نشان داد که وابستگی به یک منبع ترانزیتی و تجارتي، پیامدهای زیانباری به اقتصاد کشور و وضعیت زندگی شهروندان دارد. توسعه روابط تجاری با کشورهای آسیای میانه می تواند، بازارهای افغانستان را با ثبات تر بسازد. بازارهای افغانستان اکنون از ثبات لازم برخوردار نیست و عوامل گوناگون سیاسی و اقتصادی وضعیت بازار را تغییر می دهد. گسترش روابط تجاری با کشورهای دیگر منطقه و از جمله آسیای میانه می تواند تا حدی از نوسانات بازار جلوگیری کند.

افغانستان با گسترش روابط تجاری خود با کشورهای آسیای میانه زمینه دسترسی خود به بازار روسیه و چین را فراهم می کند. دسترسی به این بازارها می تواند بازارهای افغانستان را متحول کند و تاجران افغانستان را قادر بسازد که مارکیت های بیشتری برای مبادله کالاهای تجاری خود در اختیار داشته باشند.

مسئولین اتاق تجارت و صنایع کشور در نشست دیوژی گفتند که آنها بیشترین صادرات را به پاکستان داشته اند. با فراهم شدن زمینه دسترسی تاجران افغانستان به بازارهای روسیه و چین، علاوه بر اینکه بسیاری از مشکلات تاجران افغانستان حل خواهد شد، ارزش کالاهای صادراتی افغانستان نیز افزایش خواهد یافت و دیگر نیازی به صدور آنها به پاکستان نخواهد بود.

حکومت افغانستان علاوه بر اینکه روابط تجاری خود را با کشورهای آسیای میانه گسترش می دهد، باید تلاش کند که روابط سیاسی و فرهنگی خود را نیز با این کشورها توسعه دهد. تا روابط با این کشورها در سطوح مختلف بهبود یابد و زمینه روابط اقتصادی و تجارتي با ثبات تر فراهم گردد.

توسعه در کشورهای جنوب

دکتر عبدالعلی قوام / قسمت اول

قدرت به اقتدار را ندارد. زمامی قدرت تبدیل به اقتدار می شود که مشارکت بسط یابد. مشارکت تنها به معنای رای دادن نیست، رای دادن شروع کار است و نه پایان آن. رای دادن تنها یک مکانیزم است و مترادف با دموکراسی نیست. مشارکت یعنی مردم در قدرت شریک شوند و از انباشت قدرت دور شویم و به سمت توزیع مجدد قدرت برویم. اگر این رخ بدهد، می توان قدرت را تبدیل به اقتدار کرد، در غیر این صورت چاره ای جز استفاده از زور نمی ماند و زور نیز در بلند مدت مشروعیتش را از دست می دهد و سیستم با بحران مشروعیت مواجه می شود.

نقش بافتار بین المللی در توسعه یا عدم توسعه مهم است. در اکثر متون و بحث ها توسعه نیافتگی جنوب را یک عامل درون زا می خوانند. البته من منکر این مساله نیستم، یعنی معتقدم عوامل جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی، رویدادها و... موجب توسعه نیافتگی می شوند، این نکته را تأیید می کنند. اما در نتیجه مطالعات به این نتیجه رسیدم که آن با رفتار بین المللی نیز در توسعه یا توسعه نیافتگی نقش دارد. ما بیشتر پارادایم جنگ سرد را داریم. یکی از ویژگی های این پارادایم این بود که فضا را برای توسعه سیاسی تنگ می کرد، زیرا تقلیل گرا بود و همه چیز را به دولت محدود می کرد. در این نظریه مدام بحث می شد که دولت یک بازیگر یکتاست و زیر گروه ها مورد توجه قرار نمی گرفتند. در حالی که بعد از فروپاشی نظام دوقطبی و نزول آن پارادایم شاهد آن هستیم که همین زیر گروه هایی که به حساب نمی آمدند، تعیین کننده شده اند و اقتدار دولت مرکزی را به چالش کشیده اند. یکی از ویژگی های دولت انحصار قدرت نظامی است که دولت را از غیر دولت تفکیک می کند. اما الان عملا شاهدیم که این خصوصیت نهاد دولت که انحصار قدرت نظامی باشد، شدیداً از سوی گروه های معارض به چالش کشیده شده است. در کشورهای مثل سوریه، عراق، افغانستان و... دولت انحصار قدرت نظامی را ندارد و حتی قدرت نظامی گروه های معارض از دولت بیشتر است. بنابراین در دوران جنگ سرد به خاطر تفاسیر مضیق که از مفاهیم به عمل می آمد و به خاطر آن رویه تقلیل گرایانه باعث می شد که ما خیلی از مسائل جوامع را نبینیم.



دموکراتیک بوده است. دلیل این امر آن است که زیر سیستم ها از استقلال لازم برخوردار نبودند. یعنی حزب و پارلمان سستی و محدود و توسعه نیافته گذشته کار می کرد، دگرگون می شود. بنابراین در بحث توسعه باید دید که آیا انسان جدید به وجود آمده است یا خیر. توسعه سیاسی مترادف دموکراسی است نکته بعدی اینکه من توسعه سیاسی را مترادف با دموکراسی می دانم. منظور از دموکراسی نیز حکومت مردم برای مردم به دست مردم است. دموکراسی حکومت قانون و پاسخگو است. با این معیار دیگر تفاوتی میان کشورهای امریکای لاتین یا خاورمیانه یا آفریقا نیست. توسعه سیاسی در این معنا امری جهانشمول است. بحث بعدی تنوع ساختاری و برخورداری زیر سیستم ها از استقلال نسبی است. یعنی در برخی موارد ممکن است سیستم دچار تنوع بشود، اما زیر سیستم از استقلال لازم برخوردار نباشند. اکثر کشورهای جهان سوم در عصر پسا استعماری کوشیدند برای خودشان پارلمان ایجاد کنند و بوروکراسی عریض و طویلی به وجود آوردند و دادگاه ها را ایجاد کردند و بحث تفکیک قوا را مطرح کردند و نهادهای صنفی یا گرفتند و مطبوعات وارد صحنه شدند، اما خروجی این اقدامات دیکتاتوری و حرکت های ضد

و متلاشی و بی معنا نکنند و در مقابل حضور در صحنه و همچنین قدرت سیاسی شهروندان کمترین تهدید را متوجه اقتدار حکومت کنند و از ناتوانی و بی رمقی آن جلوگیری بکنند. بر این اساس جامعه توسعه یافته جامعه ای است که از یک طرف بیشترین فاصله را با قدرتی توزیع شده و ناکارا داشته باشد. این جامعه دارای بیشترین اقتداری هست که به استبداد پنجامت و از سوی دیگر صاحب بیشترین قدرتی است که به فلج شدن منجر نشود. توسعه یک بار و برای همیشه اتفاق می افتد یعنی نمی توان گفت که یک جامعه در یک مرحله به سمت توسعه سیاسی رفته و در مرحله بعدی به سمت توسعه نیافتگی رفته است. توسعه اگر اتفاق افتد، چه در بعد سیاسی و چه در بعد اقتصادی و چه در ابعاد فرهنگی بسیار نهادینه و عمیق است، به طوری که با جایه جای کارگزاران و تغییر و تحولات و تغییر سیاست ها تأثیری در آن ایجاد نمی کند. البته ممکن است از رشد سیاسی صحبت شود که می توان آن را از حیث کمی یا از نظر اهمیت در سطح تاکتیکی و محدود مورد مطالعه قرار داد. اما توسعه به صورت نهادینه شده و طی نسل ها رخ می دهد. توسعه به لحاظ ساختاری رخ می دهد و رفتارهای سیاسی در سطوح خرد و کلان

مساله توسعه در ارتباط با کشور های جنوب یا جهان سوم از زوایای مختلف می تواند مورد توجه قرار بگیرد و نظریات زیادی در این زمینه مطرح شده است و هر یک از رشته های مختلف علوم انسانی یا حتی علوم تجربی این مقوله را مورد توجه قرار می دهند. تأکید من بیشتر در ارتباط با توسعه سیاسی است. توسعه سیاسی فرایندی است که به دنبال تحقق ترکیبی از اقتدار حکومت و توزیع قدرت سیاسی بین شهروندان است که طی آن اقتدار حکومت کمترین فشار را به توزیع قدرت در میان شهروندان وارد کند و آن



بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کارکنان: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وبسایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان می باشد.

www.daillyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

افغانستان
The Daily Afghanistan Ma
Daily Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Newspaper